ایران
سیاسی
سال بیست‌وچهارم ■ شماره ۶۸۶۴ ■ شنبه ■ ۱۰ شهریور ۱۳۹۷



عکس: ایران/ ابوالفضل سبائی

محمد عطریانفر و محمدجواد حق‌شناس
رابطه دولت و اصلاح طلبان را بررسی کردند

کارنامه یک ائتلاف ۵ ساله

- مسعود شفیعی: اتحاد راهبردی به جای ائتلاف تاکتیکی
- نجفقلی حبیبی: ائتلاف همچنان بهترین شیوه
- حسن رسولی: ضرورت بازسازی کانال‌های ارتباطی

یادداشت



مسعود شفیعی
عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه

اتحاد راهبردی به جای ائتلاف تاکتیکی

۱. قبل از آنکه درباره چگونگی رابطه جریانات سیاسی کشور اظهارنظر کنیم، باید واقف باشیم هریک از این جریانات، خود از طیف‌های متنوعی تشکیل شده‌اند و قضاوت درباره چگونگی روابط جریانات اصولگرا، اصلاح‌طلب یا اعتدالگرا به‌عنوان بسته‌هایی کاملاً تفکیک شده و مجزا از یکدیگر ما را به نتایج درستی نمی‌رساند؛ مخصوصاً آنکه اگر موضوع مورد بررسی نوع رابطه اعتدالگرایان با هر یک از دوجناح دیگر سیاسی باشد، وجود برخی همپوشانی‌ها، اظهارنظر درباره آن‌را، دشوارتر می‌کند.

۲. سابقه همکاری اعتدالگرایان با دیگر جریانات سیاسی، محدود به روی کارآمدن دولت تدبیر و امید نمی شود، دست کم از سال ۱۳۸۴ که مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شده بودند، جریان اعتدالگرا و مخصوصاً حزب اعتدال و توسعه تلاش زیاد کردند تا با همکاری احزاب و تشکل‌های میانه رو در طیف‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا، ائتلافی را برای حمایت از رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام شکل دهند. آن ائتلاف اما با همراهی نکردن عمده اصولگرایان وهمراهی نکردن جدی برخی جریانات اصلاح‌طلب به نتیجه مطلوب نرسید و شرایط برای روی کار آمدن دولت‌های نهم و دهم فراهم شد. پس از آن در چند انتخابات مجلس و شوراهای اسلامی نیز تلاش شد تا همکاری‌هایی بین اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان شکل بگیرد؛ اما این امر بدرستی شکل نگرفت و صرفاً در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، مشخصاً حزب اعتدال و توسعه با حمایت از مهندس میرحسین موسوی که کاندیدای طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان و بعضی اصولگرایان با سابقه محسوب می‌شد، همراهی جریان اعتدالگرا را برای ایجاد جبهه‌ای فراگیر، درعمل نشان داد.

۳. طی سال‌های اخیر بین سران جریان اصلاحات و اعتدال و حتی عقلای اصولگرا یعنی شخصیت‌هایی نظیر مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دکتر روحانی، حجت‌الاسلام خاتمی، حجت‌الاسلام سید حسن خمینی و حجت‌الاسلام ناطق نوری همواره روابط خوب و نزدیکی وجود داشته و در واقع این شخصیت‌ها به‌عنوان محور اصلی شکل‌گیری هرگونه ائتلاف و همکاری بین اعتدالیون با اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل نقش‌آفرینی کرده‌اند.

۴. در سال ۱۳۹۲، با اجماعی که در سطوح بالای جریان اصلاحات، اعتدالگرا و عُقلای اصولگرا به وجود آمد، دکتر روحانی که مشخصاً یک اعتدالگرای شناسنامه‌دار محسوب می‌شد، موفق به کسب اکثریت آرای مردم ایران در انتخابات شد. از آن پس تمامی تصمیمات و رویکردهای دولت را می‌توان در چارچوب دکترین اصلی جریان اعتدالگرا که استفاده از همه افراد توانمند برای اداره کشور دانست، ارزیابی کرد و تنش‌های سیاسی در داخل کشور به حداقل رسید.

۵. یادآور می‌شوم که ائتلاف بین اعتدالگرایان همواره با طیف معتدل جریان اصلاح‌طلب بوده است و اساساً ائتلاف، همکاری یا اتحاد بین اعتدالیون و طیف‌های تندروتر چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا موضوعیتی نداشته و نخواهد داشت.

۶. باید بپذیریم که با وجود عزم و اراده جدی‌ای که در سطوح بالای جناح‌های سیاسی برای تصمیم‌گیری و اقدام هماهنگ وجود داشته، ولی در سطوح پایین‌تر دو گروه همواره مانع‌تراشی کرده‌اند؛ نخست بخشی از نیروهای غیرحزبی سازمان‌نیافته‌ای که خود را به‌عنوان نیروهای معتدل معرفی می‌کنند. دوم هم بخشی از افراد و گروه هایی که خود را منتسب به اصلاح‌طلبان می‌دانند، اما همواره با اهداف مادی و فردی به دولت نگاه کرده‌اند و دولت روحانی را نه فرصتی برای پیشرفت کشور و فاصله گرفتن از تندروی‌ها، که تنور داغی برای چسباندن نان منافع مالی خود و نزدیکان شان می‌دانستند. این گروه که متأسفانه از رسانه‌های متعددی هم برخوردار است پس از ناامید شدن از امکان چنگ‌اندازی به منابع مالی مردم هجمه رسانه‌ای و تبلیغاتی به روحانی را با هدف قرار دادن نزدیکان و یاران اصلی او آغاز کردند و با خط دهی به سایر اصلاح‌طلبان وفادار به آرمان‌های واقعی آیت‌الله هاشمی و بخشی از افکار عمومی که شناخت درستی نسبت به اینان ندارند به‌دنبال فاصله و شکاف انداختن در اتحاد مبارک اصلاح‌طلبان معتدل واعتدالیون برآمده‌اند.

۷. در این میان گاهی در میان اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان این نگرش به وجود آمده است که این ائتلاف یک جاده یک طرفه بوده و البته اعتدالیون بیشتر این احساس را داشته‌اند که اگرچه هرجا ممکن بوده از اصلاح‌طلبان معتدل حمایت کرده‌اند، اما برخی اصلاح‌طلبان در بزنگاه‌های مختلف خلف وعده کرده‌اند، به‌عنوان مثال در فهرست نهایی کاندیداهای مورد حمایت این جریانات در انتخابات شورای شهر، هیچ‌یک از نامزدهای جریان اعتدالگرا فرصت حضور در شورای اسلامی کلانشهرها را پیدا نکردند.

۸. در مجموع آینده همکاری اعتدالگرایان و اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل را می‌توان مثبت ارزیابی کرد؛ خصوصاً تجربه همکاری حزب اعتدال و توسعه با جریانات اصلاحات، تجربه خوبی بوده که با وجود برخی اشکالات و نارضایتی‌ها در میان بعضی افراد این جناح‌ها، نتایج آن برای کشور و نظام مفید و سازنده بوده است. لذا باید امیدوار بود که نه‌تنها این ائتلاف و هماهنگی تداوم یابد، بلکه باید با رفع برخی نارسایی‌ها، به سمت تقویت و تحکیم آن نیز حرکت کنیم.

۹. شخصاً معتقدم که همکاری و تعامل میان مجموعه نیروهای سیاسی کشور را باید فراتر از یک اتفاق خوب، یک ضرورت در راستای تحقق منافع ملی دانست و لذا حتماً باید همکاری نزدیک تری خصوصاً میان جریان اعتدالگرا و اصلاح‌طلبان شکل بگیرد. انتخابات مجلس یازدهم و سایر رویدادهای سیاسی پیش‌رو را باید فرصت‌های جدیدی برای ترمیم برخی شکاف‌هایی دانست که ناشی از سوءتفاهمات طی یکی، دو سال اخیر به وجود آمده است. حتماً می‌توان راهکارهایی برای رفع موانع و آسیب‌ها پیدا کرد و با بهره‌گیری از تجارب سال‌های اخیر، این همکاری‌های تاکتیکی را به اتحادی استراتژیک تبدیل کرد.

نگاهی به همکاری اصلاح طلبان و اعتدالی‌ها در مجلس

امیدها رنگ می‌بازد؟

احسان بداغی
خبرنگار پارلمانی

همه چیز از یک حمایت تمام عیار آغاز شد؛ از انتخابات اردیبهشت ۹۶ و نتیجه‌ای که سخت به کام اصلاح‌طلبان مجلس بود. اما در ادامه مسیر قرار بود اتفاقات دیگری بیفتد. در یک سالگی تشکیل دولت دوازدهم، بخشی از اصلاح‌طلبان مجلس به اندازه مخالفان تابلودار دولت خواستار برکناری و عزل وزرا هستند. کار روابط اصلاح‌طلبان مجلس و دولت هنوز به پروژه‌های رادیکال و تندی چون «عبور از روحانی» نرسیده است. هر چند امیدی‌ها می‌گویند همچنان از دولت حسن روحانی حمایت می‌کنند و رأی خود را به او در اردیبهشت ۹۶ یک تصمیم درست و منطقی می‌دانند، ولی حرارتی که برای پشتیبانی از او در مقام نامزد ریاست جمهوری در انتخابات گذشته داشتند امروز به وضوح در جمع آنها دیده نمی‌شود. در مقابل هم دولت گلایه دارد که آنطوری که توقعش را داشته مورد حمایت هواداران انتخاباتی‌اش قرارنگرفته.

همین ۱۵ ماه پیش بود که محمدرضا عارف، در مقام ریاست فراکسیون امید مجلس به نمایندگی از اعضای این فراکسیون تأکید کرد: «در حمایت از استمرار دولت آقای روحانی لحظه‌ای هم تردید نکرده‌ایم.» آن روزها اصولگرایان مخالف دولت اینگونه القا می‌کردند که نامزدی جهانگیری به دلیل کدورت‌های میان دولت و اصلاح‌طلبان جدی خواهد شد.

اصلاح‌طلبان مجلس در آن ایام هم برای روحانی ستاد مستقل انتخاباتی تشکیل دادند، هم ستاد اقوام و مذاهب او را اداره می‌کردند و هم در ارکان ستاد اصلی مشغول نقش‌آفرینی بودند. نام نمایندگان شاخص‌تر این جریان همچون محمود صادقی، علی مطهری، محمدرضا تابش، پروانه سلحشوری و دیگرانی از همین دست هم به‌طور مکرر در میان نام سخنرانان مدافع روحانی در شهرها و جلسات مختلف دیده می‌شد. اما این حمایت خیلی زودتر از آنچه به نظر می‌رسید جای خود را به برخی گلایه‌ها داد. مخصوصاً از همان جایی که کار انتخاب وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم توسط رئیس جمهوری و نزدیکان او کلید خورد. بعد از پایان ماه رمضان سال ۹۶، روحانی و تیم او عملاً وارد مرحله جدی انتخاب وزرای پیشنهادی و چینش اعضای کابینه شدند.



از همین جا بود که گلایه اصلاح‌طلبان اندک اندک آغاز شد. ابتدا گلایه‌ها از این بود که رئیس جمهوری خیلی هم آنها را در مقام مشورت برای تعیین کابینه و موقعیت‌هایی نظیر آن به بازی نمی‌گیرد. اما با پر رنگ‌تر شدن نقش اعتدالیون در حلقه اطراف روحانی این گلایه‌ها اوج گرفت و رسید به جایی که برخی از نمایندگان اصلاح‌طلب رسماً می‌گفتند کابینه پیشنهادی روحانی با توقعات اصلاح‌طلبان همخوانی ندارد. استدلال آنها بر این پایه استوار بود که اساساً عمده سبد رأی روحانی حاصل تلاش و همراهی اصلاح‌طلبان با او بوده؛ چیزی که جریان‌های اعتدالی و برخی چهره‌های دولت قبول نداشتند. هر چند دو طرف ماجرا به صراحت این موضوعات را مطرح نمی‌کردند. مثلاً اصلاح‌طلبان مجلس این‌گونه می‌گفتند که رئیس جمهوری باید در انتخاب وزرای خود به مطالبات کسانی که باعث رأی‌آوری او شده‌اند، پایبند باشد. مشخص بود که ضمیر این گزاره آنها کسی جز خود اصلاح‌طلبان و هواداران‌شان نیست. در مقابل هم اعتدالیون و برخی از دولتی‌ها تأکید داشتند که توقعات از رئیس جمهوری برای انتخاب وزرا باید منطبق با واقعیت‌ها باشد. هر چند در آن روزها اصولگرایان مخالف دولت هم از قضا باید و نبایدهای زیادی برای انتخاب کابینه مطرح می‌کردند اما حدس این موضوع بسیار ساده بود که روی اصلی این سخن اعتدالیون، متوجه اصلاح‌طلبان است. هر چند رئیس جمهوری در آستانه تشکیل کابینه دوازدهم با هر سه فراکسیون سیاسی مجلس جلساتی برگزار کرد و در مقابل هم امیدی‌ها می‌گفتند هدفشان از دیدار با دولتی‌ها فقط ارائه شاخص است، نه معرفی فرد اما مشخصاً از کابینه‌ای که معرفی شد و رأی آورد دل خوشی نداشتند. نمایندگانی چون صادقی، تابش و حتی الیاس حضرتی در همان مقطع تأکید داشتند که ترکیب کابینه آنقدرها با چیزی که حامیان روحانی و رأی دهندگان به او توقع داشتند، همخوانی ندارد. منطق رئیس جمهوری و اطرافیان او اما این بود که کابینه باید تا جای ممکن ۴۰ میلیونی باشد نه صرفاً ۲۴ میلیونی. بعد از مقطع معرفی و تشکیل کابینه دوازدهم به‌طور واضحی فاصله اصلاح‌طلبان مجلس با دولت بیشتر شده بود؛ حتی برخی از چهره‌ها مانند الیاس حضرتی و قاسم میرزایی نیکو مدام ادعا می‌کردند که جریان اعتدالی دولت با هدایت محمود واعظی که دیگر رئیس دفتر رئیس جمهوری شده بود، مشغول بلااثر کردن اصلاح‌طلبان کابینه و در رأس آنها اسحاق جهانگیری هستند. این ادعا هر چند بارها تکذیب شد اما تکرار آن در بهارستان به این معنا بود که نمایندگان اصلاح‌طلب بسی بیش از اینها بر سخنان خود ایمان دارند که با تکذیب دولتی‌ها از آن عقب بنشینند.

از مقطع معرفی و تشکیل کابینه دوازدهم تا حدود ۵ ماه بعد اوضاع به همین منوال بود؛ گلایه‌هایی وجود داشت اما یا جدی نمی‌شد یا اگر جدی هم می‌شد به سرعت فروکش می‌کرد. دیماه ۹۶ اما یک نقطه مهم دیگر بود. اعتراضات خیابانی نیمه اول این ماه در روزهای پس از فروکش کردن تأثیر خود را بر روابط دولت و اصلاح‌طلبان نشان داد.

جایی که اصلاح‌طلبان اندک اندک انتقادات خود را از تیم اقتصادی و کارنامه دولت در این زمینه آغاز کردند. اما بیش از آن انتقادات ناظر به عملکرد وزارت کشور در این زمینه بود که همیشه زیر ضرب انتقاد اصلاح‌طلبان قرار داشت. اعتراضات دیماه خیلی زود فروکش کرد اما تأثیرش را در روابط دولت و فراکسیون امید مجلس گذاشت تا نهایتاً برخی از اصلاح‌طلبان بهارستان با اصولگرایان مخالف دولت برای به زیر کشیدن سه نفر از وزرا در اسفند ۹۶ همسو شوند. یعنی همان زمانی که محمدرضا عارف با زبانی گلایه‌آمیز این‌گونه درباره روابط خود و دولت سخن گفته بود: «اینکه به‌عنوان رئیس فراکسیون امید جلسه‌ای با رئیس جمهور داشته باشیم، خیر این‌طور نیست؛ ایشان گرفتار هستند و ما هم دنبال کار خودمان هستیم.» هر چند در ماجرای استیضاح وزرای جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی و رفاه در آخرین روزهای اسفند ترکیب دولت دست نخورده باقی ماند اما زاویه شکل گرفته میان دولت و اصلاح‌طلبان روی دیگری از خود را به رخ کشید؛ همان رویی که در هفته‌های اخیر یکی از عوامل برکناری دو وزیر دولت دوازدهم شده است. در ادامه راه در خرداد ۹۷، وقتی نوبت سومین انتخابات هیأت رئیسه مجلس دهم رسید باز هم برخی از اصلاح‌طلبان چهره‌های اعتدالی دولت را به دخالت در این کار متهم کردند و باز هم تکذیب‌ها و انکارها تأثیری در پس گرفتن این ادعا نداشت. اما شاید هفته آخر مرداد و هفته اول شهریور ماه، یعنی موعد استیضاح وزرای کار و اقتصاد اوج فاصله گرفتن دولتی‌ها و اصلاح‌طلبان مجلس بود. برخی نمایندگان امید در این دو اتفاق همپای مخالفان دولت پیش رفتند تا یک وزیر اصلاح‌طلب یعنی ربیعی و یک وزیر نزدیک به اصلاح‌طلبان یعنی کرباسیان را از خدمت دولت خارج کنند که البته موفق هم شدند. در همین روزها البته سهیم شدن اصلاح‌طلبان مجلس در خط و نشان کشیدن برای وزرای دیگری چون وزیر کشور، وزیر راه و شهرسازی و وزیر صمت هم ظاهراً پیام خوبی برای روابط دو طرف نداشته باشد. بخصوص که نتیجه گزارش روحانی به مردم در پاسخ به سؤالات نمایندگان در مجلس و گرفتن ۴ کارت زرد از ۵ سؤال مطرح شده، هم به این نگرانی‌ها افزوده است.

با این ترتیب یک سال پس از تشکیل دولت دوازدهم، روابط بین نمایندگان اصلاح‌طلب و پاستورنشینان کمتر شبیه آن چیزی است که اردیبهشت سال ۹۶ تجربه شد. با این وجود هنوز همه چیز آنقدرها خراب و به هم ریخته نیست. هر چند نماینده اصلاح‌طلبی چون الیاس حضرتی در جلسه استیضاح وزیر اقتصاد از لزوم استیضاح شخص رئیس جمهوری سخن گفت اما ناگفته پیداست که اختلافات دو طرف هنوز به هیچ وجه تا این حد جدی نشده است. چه آنکه از یک سو استعفای حضرتی از عضویت فراکسیون امید نشانه عدم مقبولیت این حرفش در میان اصلاح‌طلبان است و از سوی دیگر و مهمتر از آن مخالفت سرسختانه اصلاح‌طلبان مجلس با طرح سؤال از رئیس جمهوری نشان می‌دهد که حد اختلافات بین دو طرف هنوز آنقدرها هم عمیق نشده.

در این یک سال گذشته هر چند دولت لوایحی چون لایحه اصلاح ساختار برخی وزارتخانه‌ها را داشت که علی رغم تأکید روی آن به سد مجلسی‌ها و از جمله اصلاح‌طلبان برخورد کرد اما در مقابل موضوعاتی مانند FATF نیز در دستور کار مجلس قرار گرفت که اصلاح‌طلبان برای آن ذره‌ای هم از پشت دولت کنار نرفتند. با این توصیف هر چند می‌توان گفت گلایه‌های نسبتاً جدی در روابط دولت و اصلاح‌طلبان مجلس وجود دارد اما هنوز این دو طرف تا مرحله رودررویی فرسنگ‌ها فاصله دارند و هر کدام سعی می‌کنند ضمن تأکید بر مواضع محل اختلاف خود، ائتلاف خویش را نیز به نفع رقبا از بین نبرند.